

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه ریزی و سیاست گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات  
چهارمین کنگره بین المللی  
علوم انسانی اسلامی**

**کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی**





سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران) International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
عنوان و نام پدیدآور	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج۱۰ :
شابک	دوره: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : ج۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	۱. کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی. - ج. ۲. کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. - ج. ۳. کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی. - ج. ۴. کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی. - ج. ۵. کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی. - ج. ۶. مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی. - ج. ۷. مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی. - ج. ۸. مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی. - ج. ۹. مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی. - ج. ۱۰. مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی. -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۲۳۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

## مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد سوم | کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرایی: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۶۸-۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۷۲-۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۶۶۴۰۹۰۵۶، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: [www.sccsr.ac.ir](http://www.sccsr.ac.ir)

رایانامه: [info@sccsr.ac.ir](mailto:info@sccsr.ac.ir)

## فهرست مطالب

### کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی

۹

مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی (مورد مطالعه: سنت رزق)  
علیرضا افصلی

۴۱

تدوین نظریه مدیریت تجربه از دیدگاه اسلام و بررسی وضعیت آن از دیدگاه  
کارشناسان در یک سازمان دولتی  
مهديه سادات خشوعی، حمیدرضا عریضی

۶۹

درآمدی بر نظریه تشکیک اسلامیت جوهره مدیریت  
حسین قلی‌پور

۹۵

تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور و جایگاه آن در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی  
مهدی عزیزی، حسین بختیاری، محمدجواد بهمن‌آبادی

۱۱۵

طراحی مدل ارزیابی عملکرد مدیران بر مبنای شایستگی  
(با محوریت نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه)  
یحیی میار، حسین علی‌رضانی

۱۵۳

درآمدی بر نظریه اسلامی در دانش مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر  
سیدصدرالدین حسینی مشهدی، محمد مهدی ذوالفقارزاده

۱۷۱

تبیین اهمیت وجود نقشه مدیریت جهاد فرهنگی در تشکلهای فرهنگی با  
تکیه بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)  
غلامرضا گودرزی، محمد رحیمی کلیشادی

۱۹۵

گام‌های کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی  
دکتر مهدی حمزه‌پور، مهدی عزیزی

## اسامی هیئت داوران

### کمیسیون «مدیریت اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر غلامرضا گودرزی

#### اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- علیرضا افضلی: دانشجوی دکتری تخصصی آینده پژوهی دانشگاه تهران
- حسین بختیاری: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- رضا بنی اسد: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- مرتضی جوانعلی آذر: عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- علی رضا چیت‌سازیان: استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- مهدی حمزه‌پور: عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- مهدی عبدالحمید: استادیار دانشکده مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت
- سید مجتبی عزیزی: استادیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- محمدرضا عطاردی: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- غلامرضا گودرزی: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- میثم لطیفی: دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- سجاد مهدی زاده: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- محمد نعمتی: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



## درآمدی بر نظریه اسلامی در دانش مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر

سیدصدرالدین حسینی شهیدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دولتی  
و سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

hosseini.mgt@gmail.com

محمد مهدی ذوالفقارزاده

استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران.

zolfaghar@ut.ac.ir

### چکیده

بر اساس آرای شهید صدر، دین اسلام دارای نظریه‌هایی است که موضع کلی اسلام را در حوزه‌های زندگی اجتماعی بیان می‌کند. ایشان مبتنی بر یک روش‌شناسی خاص به استخراج نظریه‌های اسلامی در حوزه‌های اقتصاد، بانک‌داری، سیاست و سنت‌های تاریخی مبادرت ورزیده است. ماهیت عمومی این روش زمینه مساعدی را برای کشف نظریه اسلامی در دیگر حوزه‌ها از جمله مدیریت نیز فراهم می‌آورد. در این نوشتار، با هدف تبیین نظریه‌سازی اسلامی بر مبنای آرای شهید صدر، ضمن واکاوی ابعاد نظریه‌پردازی در آثار ایشان با تمرکز بر دانش اقتصاد، وجود این ابعاد در دانش مدیریت تشریح می‌گردد. تبیین روش این نظریه‌سازی و کاربست آن در مدیریت، از دستاوردهای پژوهش حاضر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کشف نظریه اسلامی در مدیریت، مستلزم استفاده از روش تفسیر

موضوعی قرآن کریم در راستای پاسخ به پرسش‌های حاصل از تجربیات بشری در دانش مدیریت است. عبور از مراحل این روش که در سه مرحله اصلی ۱. حرکت از موضوع عینی به نص، ۲. حرکت از مدلول جزئی به مدلول مشترک و کلی و ۳. حرکت از سلیقه شخصی به واقعیت، خلاصه می‌شود، پژوهشگر را به شناخت «مذهب مدیریتی اسلام» و «علم مدیریتی اسلام» رهنمون می‌سازد.

**کلیدواژگان:** مدیریت اسلامی، روش شناسی واقع‌گرا، روش موضوعی، نظریه‌پردازی.

### ۱. مقدمه

قرآن، مهم‌ترین منبع اسلامی و کتاب هدایت است؛ مخاطبان آن نوع بشر، و قوانینش فراتر از جوی است که در آن نازل شده؛ از این روست که پاسخ‌گوی پرسش‌ها و مسائل بشری است. با این حال قرآن کتابی صرفاً علمی نیست و به کارهای اساسی و مهم توجه دارد (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۵۳) و نمی‌خواهد نیروهای رشد و ابتکار و کاوش انسان را از بین ببرد؛ لذا شایسته نیست که از آن انتظار داشته باشیم مانند کتابی درسی همه تفصیلات و جزئیات را ارائه دهد (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۵۳).

براین اساس اسلام دارای نظریاتی است که موضع کلی آن را در هر یک از حوزه‌های زندگی بیان کرده، چارچوبی کلی برای آنها عرضه می‌نماید. اهمیت این نظریات به اندازه‌ای است که در ظهور دیدگاه‌های متفاوت بین اسلام و غرب، استخراج آنها بر مسلمانان واجب می‌شود (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۴). شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۴۰۰-۱۳۵۳ق) فرورفتن در متون اسلامی را تنها راه آگاهی از موضع اسلام درباره هر موضوع خاص می‌داند (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۴۲-۴۱). وی قرآن را علم گذشته و آینده، داروی دردها و مایه نظم امورمان می‌داند و معتقد است از این راه است که در مقابل تجارب زمینی در هر موضوع، می‌توان نظر الهی و موقعیت آسمانی را دانست (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۳۱). ایشان نظریه اسلام در اقتصاد، بانک‌داری، سیاست و سنت‌های تاریخی را استخراج کرده است.

با عنایت به ضرورت نظریه‌سازی قرآنی و عمومیت روش آن در عرصه‌های مختلف، این نظریه می‌تواند الگویی برای دستیابی به نظریه اسلامی در دیگر حوزه‌های دانشی علوم اجتماعی، از جمله مدیریت باشد. نظریه اقتصاد اسلامی ایشان دارای دو بُعد مذهب و علم است که می‌توان آنها را در نظریه مدیریت اسلامی نیز به کار گرفت. تبیین این ابعاد، به انضمام روش شناسی شهید صدر در

نظریه‌سازی قرآنی، درآمدی بر نظریه مدیریت اسلامی بر مبنای آرای ایشان است. پیش از این نیز تألیفاتی با محوریت مقولات «مذهب» و «علم» (ابعاد نظریه اقتصاد اسلامی شهید صدر) در مدیریت اسلامی منتشر شده است (ر.ک: افجه‌ای، ۱۳۸۸؛ امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۲). تفاوت اثر حاضر با مجموعه‌های پیشین در این است که در اینجا تلاش می‌شود تا از ابعاد ساختار نظریه شهید صدر در اقتصاد اسلامی الگوبرداری صحیح شود و بلکه روش او در استخراج نظریات اسلام نیز تبیین گردد. پرسش اصلی تحقیق چنین خواهد بود: «نظریه اسلامی در مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر دارای چه ابعادی است و با چه روشی صورت می‌گیرد؟». روش پژوهش حاضر کیفی و فاقد فرضیه است که با انجام مطالعات کتابخانه‌ای تحقق می‌یابد و تحقیق پیش‌رو از لحاظ هدف، بنیادی است.

## ۱-۱. ضرورت کشف نظریه‌های اسلامی

ممکن است این پرسش مطرح شود که ضرورت استخراج نظریات اساسی اسلام در موضوعات مختلف چیست؛ درحالی‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نظریاتی - به شکل نظریات محدود و صیغه‌های کلی - نداده است. شهید صدر معتقد است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه تطبیق این نظریات را ارائه می‌داد؛ به این معنا که ایشان نظریات را از راه جوّ کلی قرآنی که در زندگی اسلامی بوده ارائه می‌فرموده است؛ لذا هر فرد مسلمانی در چارچوب چنین جوی حامل نظریه بوده است؛ حتی اگر آن نظریه را به صورت کلی و سطحی فهمیده باشد؛ اما اگر آن جو و چارچوب وجود نداشته باشد و نیازمند بررسی نظریات قرآن کریم در اسلام باشیم، در این حالت به عنوان انسان مسلمان، خود را در برابر نظریات فراوان و در زمینه‌های مختلف زندگی می‌یابیم و اگر بخواهیم موضع اسلام را نسبت به این نظریات معین کنیم، باید از متون اسلامی استمداد جوییم و در اعماق آنها رسوخ کنیم تا به موضع اسلام برسیم و نظریات اسلام را که برطرف‌کننده ابهامات هستند، کشف کنیم (صدر، ۱۳۶۰، ص ۲۲ و ۲۴).

## ۲. مبانی نظری

### ۱-۲. نظریه اسلامی

نظریه یا نگره، عبارت است از تفکر (یا نتیجه تفکر) انتزاعی به شکلی اندیشمندانه و منطقی. نظریه در معنای کلی چارچوبی عام برای تفسیر است؛ چارچوب فراگیری که حفظ انسجام

اجزای هر تصور یا انگاره را تأمین می‌کند. در تعاریف جدید از نظریه بر ذات تفسیری، انتزاعی و تعمیم‌دهندگی آن تأکید می‌شود. نظریه می‌تواند هنجاری باشد و درباره «آنچه باید باشد» توضیح دهد، که در این صورت بیانگر اهداف، هنجارها و معیارهاست. همچنین می‌تواند توده‌ای از اطلاعات باشد که نظریه‌پردازی، سروسامان دادن و پیش بردن همین توده اطلاعات است. نظریه را می‌توان روشی برای درک یا مشاهده واقعیت‌ها نیز دانست؛ نظام تفکری که بسیار عمیق‌تر و پویاتر از تجربیات روزانه باشد. به بیانی دقیق‌تر، یک نظریه مجموعه‌ای از سازه‌ها (مفاهیم)، تعاریف و گزاره‌های بهم مرتبط است که از طریق مشخص ساختن روابط بین متغیرها، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها دید نظام‌یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند (ر.ک: کرلینجر، ۱۳۸۰).

در علم جدید، مراد از نظریه، نظریه علمی است. این نوع نظریه توضیح مستدل و تصدیق‌شده‌ای از طبیعت است که با روش علمی سازگار بوده، معیارهای مورد نیاز علم جدید را داراست. توصیف این نظریه به گونه‌ای است که هر یک از اهالی فن قادر به درک آن خواهند بود و می‌توانند به روش تجربی آن را اثبات یا ابطال کنند. لذا این باور وجود دارد که نظریات علمی قابل اتکاترین، دقیق‌ترین و جامع‌ترین نوع اطلاعات علمی هستند.

اما منظور از نظریه در نظریه‌سازی اسلامی، ساختاری فکری مرکب از مجموعه‌ای از اصول، مبانی، نگره‌ها، مفاهیم و احکام اسلامی است که در چارچوب بیان رهیافتی اسلامی، در یکی از حوزه‌های مربوط به انسان، جامعه و هستی با یکدیگر مرتبط‌اند (بری، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶-۲۵). به عبارتی نظریه اسلامی، ساختاری منسجم، هماهنگ و یک‌پارچه است که میان اجزای آن پیوندی برقرار شده تا بیانگر موضع کلی اسلام در یکی از حوزه‌های زندگی (به‌ویژه حوزه‌های اجتماعی) باشد. ثمره این نظریه آن است که از خلال ضوابط و معیارهای کلی شریعت مقدس، مبانی و چارچوبی کلی برای حوزه مورد نظر عرضه می‌کند. همچنین نظریه‌پردازی اسلامی، بیشتر به کشف نظریه نزدیک است تا ابداع آن. این نظریه‌سازی بر کنشی فکری، فقهی، ترکیبی، آگاهانه و متخصصانه متکی است که در پرتو آن، رهیافت اسلامی براساس مبانی و معیارهای مشخص کشف می‌شود.

تبلور نظریه اسلامی و روشن شدن معایب و محاسن آن، جز با قرار گرفتن در محک و اجرا شدن در واقعیت زندگی ممکن نیست؛ زیرا اجرا شدن نظریه‌ای اسلامی در عرصه واقعیت، آن را در مقام پاسخ‌گویی و تجربه قرار می‌دهد و پنجره‌های جدیدی را به روی خرد اجتهادی می‌گشاید که به تعدیل و تکامل آن می‌انجامد.

یکی از معتبرترین نظریات اسلامی، نظریه اقتصاد اسلامی شهید صدر است که کتاب حاوی آن (اقتصادنا) به تعبیر برخی از اقتصاددانان، قرآن اقتصاد اسلامی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ص ۷). شهید صدر نظریه خود را بر ابعاد سه‌گانه مذهب، نظام و علم استوار کرده است که این چارچوب به جهت عمومیت، می‌تواند در نظریه‌سازی اسلامی در مدیریت نیز به کار گرفته شود.

### ۱-۱-۲. ابعاد نظریه اسلامی در اقتصاد

شهید صدر معتقد است اسلام افزون بر احکام اقتصادی دارای مذهب و علم اقتصاد ویژه است (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۳۴-۲۱). نظریه اقتصاد اسلامی ایشان دارای دو بعد مذهب و علم است.

#### الف) مذهب

گاهی مذهب به مجموعه اصول اعتقادی، وظایف عملی و تعهدات اخلاقی اطلاق، و به جنبه ایمانی آن بیشتر توجه می‌شود (صدر، ۱۳۶۹، ص ۳۳). این کاربرد مذهب بیشتر مورد توجه شهید صدر است. وقتی وی اقتصاد اسلامی را مذهب می‌نامد، تعریف و توصیفش بسیار وسیع‌تر از این مفهوم است (صدر، ۱۳۸۱، ص ۷). از نظر شهید صدر، اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مذهب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی نیز تعبیر می‌شود.<sup>۱</sup> او بر این باور بود که اسلام در ورای احکام خود، دارای نظامی بنیادی است که همان «مذهب» اجتماعی اسلام است (مثل مذهب اقتصادی). همچنین توجه داشت که در دیگر نظامات لیبرالیستی، سوسیالیستی و کمونیستی نیز احکامی مانند احکام اقتصادی مستند به مجموعه‌ای قواعد بنیادی و ریشه‌های فکری است.

هرچند نظر شهید صدر در باب مذهب اقتصادی یا به نحو عام در باب مذهب اجتماعی به طور کامل منقح نیست، اما اجمالاً از منظر ایشان، «مذهب اجتماعی عمدتاً باید‌ها و نباید‌ها،<sup>۲</sup> شایسته‌ها و ناشایسته‌ها و ینبغی و لاینبغی‌ها را بیان می‌کند. مذهب اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است؛ غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی

۱. میرمعزی معتقد است به‌رغم تفاوت‌هایی که بین مفاهیم «نظام» و «مکتب» وجود دارد، شهید صدر در مواردی بین این دو مفهوم رابطه این‌همانی برقرار کرده است (رک: میرمعزی، ۱۳۸۵).

۲. «باید»‌های مکتب باید بر «هستی»‌ها مبتنی باشد؛ بحث هستی‌ها نیز به عهده فلسفه است. بنابراین هر مکتب دارای فلسفه‌ای است که برنامه و رسالت آن مکتب را تبیین و توجیه منطقی می‌نماید (صدر، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک پازل و جورچین به شمار می‌روند؛ به طوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ یا غیره را شکل می‌دهند و با سایر نظامات اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار می‌کنند؛ مثل نظام اقتصادی که در درون خود، دارای عناصر به هم پیوسته است و این عناصر به هم پیوسته، دارای ارتباط خاص با نظام سیاسی و فرهنگی یا نظام تربیتی و امثال اینهاست و در مجموع، یک سلسله نظامات مستند به اسلام هستند که نظام کلان اسلامی را تشکیل می‌دهند» (صدر، ۱۳۵۴، ص ۳۴۶-۳۳۷ و ص ۱۵۶-۱۱۳).

بنابراین به نظر شهید صدر، اسلام دارای مذهب کاملی است که عرصه‌های گوناگون حیات را شامل می‌شود. براین اساس مذهب عام اسلامی از دیدگاه ایشان عبارت است از «اصول تنظیم حیات بشر برای حل مشکلات، که با مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام ارتباط داشته، از منابع اسلامی کشف می‌شوند و دارای دو بخش ثابت و متغیرند» (میرمعزی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). بر اساس این تعریف مذهب دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. مذهب روشی است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات و حل مشکلات عملی‌اش از آن پیروی کند (صدر، ۱۴۰۸، ص ۲۹ و ۳۷۷)؛
۲. مذهب روش تنظیم حیات است (صدر، ۱۴۰۸، ص ۳۱)؛
۳. مذهب مجموعه‌ای از نظریات اساسی است که مشکلات حیات را حل می‌کند (صدر، ۱۴۰۸، ص ۳۸۴)؛
۴. مذهب شامل هر قاعده اساسی است که با اندیشه عدالت اجتماعی ارتباط دارد (صدر، ۱۴۰۸، ص ۳۸۱)؛
۵. مذهب عام اسلامی را باید از منابع اسلامی کشف کرد (صدر، ۱۴۰۸، ص ۳۸۸-۳۹۲)؛
۶. مذهب عام اسلامی دارای دو بخش ثابت و متغیر است. بخش ثابت به وسیله اسلام و به صورت منجز و قطعی پر شده و بخش متغیر که منطقه الفراغ را تشکیل می‌دهد، پر کردنش به دولت (ولی امر) سپرده شده است (صدر، ۱۴۰۸، ص ۴۰۲-۴۰۰)؛
۷. هدف مذهب، تغییر وضع فاسد موجود و تبدیل آن به وضع مطلوب<sup>۱</sup> است (صدر، ۱۳۶۹، ص ۲۹۱).

۱. هدف مکتب اقتصادی اسلام اجرای قسط در زندگی اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

## ب) علم

امروزه در زبان فارسی کلمه «علم» به دو معنای متفاوت به کار برده می‌شود:

۱. معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. به همه دانستنی‌ها صرف‌نظر از نوع آن، علم می‌گویند و عالم به کسی گفته می‌شود که جاهل نیست. مطابق این معنا اخلاق، ریاضیات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست‌شناسی و نجوم همه علم‌اند و هر کس یک یا چند رشته از آنها را بداند عالم است. به این معنا خداوند عالم است؛ یعنی نسبت به هیچ امری جاهل نیست و برای او مسئله مجهولی وجود ندارد. محتوای قرآن به این معنا علمی است؛ یعنی مجموعه‌ای از دانستنی‌هاست و هر کس آنها را بداند عالم به قرآن است. همه فقها عالم‌اند و هر کس از خدا و صفات و افعال او آگاهی داشته باشد نیز عالم است. مشخص است که در این معنا علم در برابر جهل قرار می‌گیرد. کلمه Knowledge در انگلیسی معادل این معنای علم است؛

۲. کلمه علم در معنای دوم منحصرأً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق تجربه مستقیم حسی به دست آمده باشند. علم در اینجا در برابر جهل قرار نمی‌گیرد، بلکه در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که مستقیماً از آزمون حسی بر نمی‌خیزند. اخلاق (دانش خوبی‌ها و بدی‌ها)، متافیزیک (دانش احکام و عوارض هستی مطلق)، عرفان (تجارب درونی و شخصی)، منطق (ابزار هدایت فکر)، فقه، اصول، بلاغت و غیره همه بیرون از علم به معنای دوم قرار می‌گیرند و همه به این معنا غیر علمی‌اند. کلمه Science در انگلیسی معادل این علم است. دیده می‌شود که علم در این معنا بخشی از علم به معنای اول را تشکیل می‌دهد و به سخن دیگر، علم تجربی نوعی از انواع دانستنی‌های بسیاری است که می‌تواند در اختیار بشر قرار گیرد. رشد علم به معنای دوم عمدتاً از آغاز دوره رنسانس به بعد است؛ در حالی که علم به معنای مطلق آگاهی (معنای اول) تولدش با تولد بشریت هم‌آغاز است. همه مدح و تحسینی که در معارف اسلامی درباره علم و عالم رسیده، و همه ذم و ملامتی که از عالمان بدون عمل شده و اصولاً هر چه درباره علم و عالم و معنای صفات و خواص و فضایل و رذایل آنها گفته شده است، همه ناظر به علم در برابر جهل است، نه علم تجربی در برابر علم غیر تجربی (سروش، ۱۳۵۸، ص ۸-۵).

تلقی متداول معاصر از معرفت علمی، مطابق معنای دوم علم است. این نوع معرفت، معرفتی است اثبات‌شده و نظریه‌های علمی به شیوه‌ای دقیق از یافته‌های تجربی که با مشاهده و آزمایش به دست آمده‌اند، اخذ می‌شوند. علم بر آنچه می‌توان دید و شنید و لمس کرد و امثال اینها بنا شده است؛ عقاید و سلیقه‌های شخصی و تخیلات ظنی هیچ جایی در علم ندارند. علم آفاقی است

و معرفت علمی، معرفتی درخور اطمینان است؛ زیرا به طور آفاقی اثبات شده است (چالمرز، ۱۳۸۴، ص ۱۳). به عبارتی می‌توان گفت علم را به توصیف و معرفت واقعیت‌ها تعریف کرده‌اند که در آن سخن از طبیعت می‌رود. «چگونه هست» و «چگونه نیست» به عهده علم است، نه «چگونه باید باشد» و «چگونه نباید باشد»؛ بنابراین مجموعه معارفی که به نحوی جزئی یا کلی به توصیف چگونگی هستی‌ها می‌پردازند، علم نام می‌گیرند. به طور کلی همواره قوانین علمی قضایای کلی منطقی هستند که به هست یا نیست ختم می‌شوند؛ رابطه بین چند عامل را نفی یا اثبات می‌کنند یا می‌گویند نسبت الف به ب چنین است یا چنین نیست (سروش، ۱۳۵۹، ص ۱۴-۱۳).

با این حال، علم دوران مدرن مانند علم دوران گذشته باورمند و معتقد به نظام علی و معلولی است؛ با این تفاوت که چون خود را از فلسفه الهی و دین جدا کرده، به علت فاعلی و غائی عالم کاری ندارد و دایره نظام علی را در حصار تنگ حس و تجربه محدود می‌سازد. همه همت عقل حسی و تجربی کاوش در علل فاعلی است؛ یعنی فلان چیز پیش از این چه بوده و اکنون چه هست و سرانجام تحت تأثیر عوامل طبیعی چه خواهد شد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶).

شهید صدر در نظریه اقتصاد اسلامی، علم بودن اقتصاد اسلامی را کانون بحث قرار داده و آن را علمی می‌داند که «به تفسیر زندگی اقتصادی و حوادث و پدیده‌های آن و ربط این حوادث و پدیده‌ها به عوامل کلی حاکم بر آنها می‌پردازد» (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸ و ۳۳۷). وی معتقد است که تفسیر علمی حوادث اقتصادی از دو راه امکان‌پذیر است:

۱. جمع‌آوری حوادث اقتصادی از طریق تجربه واقعی زندگی و تنظیم علمی آنها به گونه‌ای که موجب کشف قوانین حاکم بر این حوادث در محدوده آن زندگی واقعی و شرایط ویژه آن شود؛

۲. آغاز در بحث علمی از مسلمات معینی که ابتدا فرض تحقق آنها می‌شود و در پرتو آن فروض، توجیه اقتصادی و کیفیت جریان حوادث استنتاج می‌شود.

راه اول برای تحقق علم اقتصاد اسلامی متوقف بر آن است که مذهب اقتصادی اسلام در عالم واقع تحقق یابد و راه دوم برای توضیح برخی حقایق زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی سودمند است؛ ولی این‌گونه تفسیرها تا زمانی که با تجارب جمع‌آوری شده از واقع خارجی آزموده نشود، نمی‌تواند مولد علم اقتصاد اسلامی به صورت عام و دقیق آن شود؛ زیرا در بسیاری موارد، بین زندگی واقعی و تفسیرهایی که بر اساس فروض صورت می‌گیرد، تفاوت وجود دارد. افزون بر این، عنصر روحی و فکری در جامعه اسلامی، دارای اثر فراوانی در زندگی اقتصادی است و این عنصر



دارای حدود تعریف شده و شکلی معین نیست تا بتوان آن را فرض، و بر اساس آن نظریه پردازی علمی کرد؛ بنابراین تا وقتی که مذهب اقتصادی اسلام با همه اصول و مشخصات و اجزایش در متن زندگی اجرا، و وقایع و تجربه های اقتصادی آن جامعه به صورت منظم بررسی نشود، امکان ندارد علم اقتصاد اسلامی به معنای حقیقی آن تولد یابد (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۴-۳۳۱).

بنابراین شهید صدر معتقد است که اسلام دارای مذهب و نظام اقتصادی است و اقتصاد اسلامی هویت علمی ندارد و تا وقتی جامعه اسلامی تحقق خارجی نیافته، مطالعات علمی ممکن نیست؛ در نتیجه علم اقتصاد اسلامی نمی تواند وجود حقیقی بیابد (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۴-۳۳۰).

### تجربه گرایی در علم

شهید صدر زیربنای علم از نظر منطق عقلی را معلومات عقلی اولی (مبدأ علیت، مبدأ سنخیت و مبدأ عدم تناقض) می داند که اگر از ذهن بشر سلب گردند، نمی توانند به هیچ وجه به معرفتی نظری دست یابند (صدر، ۱۳۵۱، ص ۴۲)؛ این در حالی است که تجربیون به وجود معارف عقلی ضروری سابق بر تجربه اعتراف نمی کنند و تجربه را تنها اساس برای حکم صحیح و مقیاس کلی در تمام حوزه ها اعتبار کرده اند و حتی احکامی را که در منطق عقلی معارف ضروری ادعا شده اند، محکوم تجربه می دانند و به اندازه ای از آنها اعتراف می کنند که تجربه آنها را تحدید می کند (صدر، ۱۳۵۱، ص ۴۹).

شهید صدر معتقد است «تجربه نخستین معیار و منبع اساسی برای سنجش افکار و معارف نیست، بلکه معلومات اولی عقلی معیار سنجش افکار می باشد که از پرتو آنها می توان معلومات و حقایق دیگری به دست آورد؛ حتی تجربه نیز احتیاج به همان مقیاس و معیار عقلی دارد» (صدر، ۱۳۵۱، ص ۶۸).

### ۳. تبیین روش دستیابی به نظریه اسلامی در آرای شهید صدر

شهید صدر دستیابی به نظریه قرآنی را نتیجه تفسیر موضوعی می داند و معتقد است: «تفسیر موضوعی از استفاده مدلولات تفصیلی آیات فراتر رفته و تلاش می کند ارتباط میان این مدلولات را دریافته و به این ترتیب به نظریه قرآنی دست یابد. این همان چیزی است که به زبان امروز نظریه می نامیم و به این ترتیب به نظریه قرآنی از نبوت یا مذهب اقتصادی یا سنن تاریخی و همچنین آسمان و زمین دست می یابیم» (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲). وی با طرح تجارب بشری به عنوان مایه های

تفسیر موضوعی، این روش تفسیری را تنها راهی می‌داند که ما را قادر می‌سازد تا در موضوعات مختلف زندگی به نظریه‌های اساسی اسلام و قرآن دست یابیم (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۳۰). «روش موضوعی» روشی است که به واقعیت زندگی، جامعه و هستی توجه دارد و دارای دقت و واقع‌گرایی است (رک: بری، ۱۴۲۲). صدر روش مذکور را در برخی مطالعات اسلامی تعمیم بخشیده و توانسته است در پرتو آن، نظریه اسلام در موضوعات مختلف را به تصویر بکشد؛ در کتاب اقتصادنا نظریه اقتصادی اسلام، در کتاب البنک اللاربوی فی الاسلام نظریه اسلام در باب معاملات بانکی، در کتاب المدرسة القرآنیة نظریه اسلام در باب سنت‌های تاریخی و همین‌طور در باب عناصر جامعه و در کتاب الاسلام یقود الحیاة نظریه سیاسی اسلام را بر اساس همین روش عرضه کرده است (رک: صدر، ۱۳۶۰).

### ۱-۳. روش موضوعی

به اعتقاد شهید صدر روش موضوعی تفسیر قرآن در تلاش است به بررسی و تحلیل قرآنی موضوعات زندگی عقیدتی یا اجتماعی بپردازد و هدف آن را تعیین موضع و دیدگاه قرآن کریم در آن موضوع - که از موضوع‌های زندگی یا هستی است - می‌داند. مفسر موضوعی در طی فرایند تفسیر می‌کوشد موضع قرآن کریم را نسبت به موضوع مطرح شده جو یا شود و نظریه‌ای را که از طریق مقارنه این متن با دیگر موضوعات، افکار و تمایلات به دست آمده، استخراج کند (حیدری، ۱۴۳۳ق). از این جهت، نتایج تفسیر موضوعی، دائماً نتایجی وابسته به جریانات تجربه بشری است و این نتایج، نمایانگر افکار و تمایلات قرآنی برای تعیین و محدود ساختن نظریه اسلامی درباره موضوعی از موضوعات زندگی خواهد بود.

بنابراین روش موضوعی، عمل گفت‌وگو با قرآن کریم و به سخن درآوردن آن است و به کار بردن متن قرآنی، در راه کشف حقیقتی از حقایق بزرگ زندگی است؛ چراکه امیرالمؤمنین علی (ع) درباره قرآن می‌فرماید: «آن است قرآن، او را به سخن گفتن وادار کنید و هرگز (با شما) سخن نخواهد گفت؛ ولی من برای شما از قرآن خبر می‌دهم. آگاه باشید در این کتاب الهی است علم هر آنچه که خواهد آمد و حدیث هر آنچه که گذشته است و دواى درد شما و نظم آنچه در میان شما باید باشد»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸).

۱. ... ذلک القرآن، فاستنطقوه. ولن ینطق، ولكن اخبركم عنه: الا ان فیه علم ما یأتی والحديث عن الماضی ودواء دائکم. ونظم ما بینکم... فلو سألتمونی عنه لعلمتکم.

در روش موضوعی، قرآن با واقعیت (واقعیت زندگی) پیوند می‌خورد؛ چراکه این روش از واقعیت آغاز می‌شود و در قرآن پایان می‌یابد؛ نه اینکه از قرآن آغاز و در قرآن ختم شود و عملی جدا از واقعیت گردد. بدین علت، تفسیر موضوعی، قادر به رشد و نمو و توسعه و تحول است؛ زیرا تجربه بشری او را غنی می‌سازد و درس قرآنی و تأمل قرآنی در پرتو تجربه بشری این غنا را به فهم اسلامی قرآن به طور صحیح، مبدل می‌کند (صدر، ۱۳۶۰، ص ۱۸-۱۶).

### ۱-۱-۳. مراحل روش موضوعی

روش موضوعی دارای مراحل است که عبارت‌اند از:

#### الف) حرکت از موضوع عینی به نص

در روش موضوعی نقطه آغاز، موضوع خارجی است و پس از آن باید به قرآن و سنت شریف توجه کرد تا نظریه اسلامی به صورت فراگیر در آن موضوع استخراج شود. البته پژوهشگری که این مسیر را می‌پیماید باید در مرحله نخست بکوشد مشکلات و راه‌حل‌هایی را که تجارب اندیشه بشری پیرامون این موضوع خارجی عرضه کرده و پرسش‌ها و نقاط خلأ تطبیق تاریخی آن را مطالعه کند (ر.ک: بری، ۱۴۲۲ق و ۱۳۸۶).

#### ب) حرکت از مدلول جزئی به مدلول مشترک و کلی

شهید صدر برای استخراج نظریه از دل نصوص اسلامی پیشنهاد می‌کند با پشت سر هم قراردادن مدلول‌های جزئی احکام و آیات، میانشان نظم و نسق و انسجامی پدید آوریم. ایشان، اعمال این روش را نیازمند آگاهی افزون‌تری به احکام و مفاهیم اسلامی می‌دانند - که گاه در موضوعی واحد پراکنده به نظر می‌رسند -، از این رو اجتهاد در عرصه نظریه‌پردازی فقهی، نیازمند تلاش‌ها و ابداعات بیشتر است.

#### ج) حرکت از سلیقه شخصی به واقعیت

از مهم‌ترین دشواری‌های نظریه‌پردازی اسلامی چگونگی برحذر بودن از لغزش‌های شخصی هنگام عملیات کشف نظریه است. رویارویی با این دشواری، جز از طریق ایجاد روشی که ضوابط متناسب با طبیعت نصوص اسلامی را فراهم آورد، میسر نیست. این روش باید ضوابطی را فراهم

سازد که نزدیک‌ترین نظریه را درباره واقعیت تشریح اسلامی به دست داده و برآمده از افکار شخصی و ذهنیت‌های پیشین که فرد با خود دارد نباشد.

کاری که مجتهد در نظریه‌پردازی اسلامی انجام می‌دهد، با نظریه‌پردازی نظریه‌پردازان مکاتب بشری متفاوت است؛ زیرا آنان مستقیماً به تکوین و ابداع نظریه اقدام می‌کنند و پس از پی‌ریزی یک نظریه، آن را مبنای پژوهش‌های بعدی قرار می‌دهند؛ اما مجتهد، به جای مطالعه صرف عالم تکوین و ابداع نظریه که ممکن است برآمده از افکار شخصی باشد، با مراجعه و مطالعه عالم تشریح به اکتشاف نظریه می‌پردازد.

از آن جهت که طی مراحل مختلف توسط مجتهد صورت می‌گیرد، ممکن است نظرات وی دخیل باشد - به ویژه در مرحله حرکت از موضوع عینی به نص؛ چراکه جهان‌بینی در شناخت موضوع عینی نقشی اساسی دارد - اما در نهایت با توجه به ضوابطی که اندیشیده می‌شود، نزدیک‌ترین نظریه به واقعیت تشریح اسلامی به دست خواهد آمد (ر.ک: صدر، ۱۳۵۴).

#### ۴. نظریه اسلامی در مدیریت

بنا بر مطالب پیشین می‌توان گفت نظریه اسلامی در مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر، نوعی نظریه‌سازی با روش موضوعی است که نظریه‌پرداز آن توأمان عهده‌دار وظیفه فقاقت و اکتشاف خواهد بود که این نیازمند آگاهی از احکام و مفاهیم اسلامی و تسلط بر آنهاست. این نظریه ساختاری فکری، مرکب از مجموعه‌ای از اصول، مبانی، نگره‌ها، مفاهیم و احکام و نصوص اسلامی است که در چارچوب بیان رهیافتی اسلامی در حوزه مدیریت و سازمان با یکدیگر مرتبط‌اند.

#### ۱-۴. ابعاد نظریه اسلامی در مدیریت

##### ۱-۱-۴. مذهب مدیریتی اسلام

باورها، پیش‌فرض‌ها و دانش از جهان بر چگونگی طراحی و مدیریت سازمان توسط رهبران تأثیر می‌گذارد (هچ، ۱۳۹۰، ص ۳۸). به عبارتی احکام مدیریتی و سازمانی نظام‌های مختلف نیز مستند به قواعد بنیادی و ریشه‌های فکری است؛ زیرا دانش بر پارادایم‌های مختلفی استوار است و هر پارادایم پیش‌فرض‌های خاصی درباره جهان دارد.

بنابراین می‌توان گفت به هر قاعده زیربنایی و اساسی اداری و سازمانی‌ای که با ایده عدالت اجتماعی ارتباط یابد، «مذهب مدیریتی اسلام» اطلاق می‌شود. این مذهب مدیریتی، یک کل و

بسته پیشنهادی است و باید‌ها و نباید‌ها و شایسته‌ها و ناشایسته‌ها را در آن موضوع بیان می‌کند و با دیگر نظامات اجتماعی اسلام نیز ارتباط دارد و اصول تنظیم حیات بشر را برای حل مشکلات آن بیان خواهد کرد (افجه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۴).

## ۲-۱-۴. علم مدیریت اسلامی

طبق تعریف پذیرفته‌شده از مذهب و علم، مذهب بیانگر باید‌ها و نباید‌هاست؛ اما علم، هست‌ها را بیان می‌کند. بنابراین مذهب مدیریت اسلامی با وصفی که آمد، می‌تواند دارای وصف اسلامی و غیراسلامی باشد؛ اما علم مدیریت، اسلامی و غیراسلامی ندارد؛ چراکه در واقع، از این علم، روش دستیابی به آن غایات و اهداف را به دست می‌آوریم (صدر، ۱۳۵۴، ص ۱۵۶-۱۱۳ و ۴۲۴-۴۱۷). لذا علم مدیریت یا اداره شامل هر نظریه‌ای است که رویدادهای عینی اداری یا سازمانی را دور از هر گونه اندیشه عدالت‌خواهانه و پیش‌ساخته ذهنی آن‌طور که هست تفسیر کند (افجه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۴). به عبارت دیگر علم مدیریت به تفسیر زندگی مدیریتی و سازمانی، پدیده‌های آن، عوامل کلی حاکم بر آنها و روابط آنها می‌پردازد.

## ۲-۴. کاربرد روش موضوعی در نظریه اسلامی در مدیریت

بر اساس نظر شهید صدر تنها راه به دست آوردن نظریات اساسی اسلام در مقابل موضوعات مختلف زندگی، از جمله مسائل مرتبط با سازمان و مدیریت، روش تفسیر موضوعی است که به واقعیت زندگی و هستی توجه دارد. در این روش، مفسر می‌کوشد موضع قرآن کریم را نسبت به موضوع مذکور جویا شود و نظریه‌ای را که از مقارنه این متن با موضوع و افکار و تمایلات دیگر به دست آمده، استخراج کند.

مفسر موضوعی از موضوع خارجی که در اینجا موضوعات مرتبط با سازمان و مدیریت است می‌آغازد و پس از آن توجه خود را به قرآن و سنت معطوف می‌دارد تا نظریه اسلامی فراگیری را در این موضوع کشف و استخراج کند. بر اوست که در این مسیر پر فراز و نشیب ابتدا مشکلات و راه‌حل‌های تجارب متعدد بشری را درباره موضوع مورد نظر بررسی کند و سپس با مراجعه به متون مقدس، نظم و نسق و انسجامی میان مدل‌ولات جزئی احکام و آیات پدید آورد.

بنابراین روش نظریه‌سازی اسلامی در مدیریت، مبتنی بر روش تفسیر موضوعی قرآن کریم است و این امر خطیر نیازمند تخصص و مهارت در این زمینه است و هر کسی قادر نخواهد بود با

علم اجمالی خویش درباره مدیریت و اسلام به کشف نظریه اسلامی در مدیریت پردازد. به عبارتی همان‌گونه که استخراج احکام شرعی نیازمند تخصصی فقهی است، استخراج نظریات اسلامی در باب موضوعات مختلف زندگی از قرآن کریم نیز به تخصص تفسیری نیاز دارد.

مفسر موضوعی برای استخراج نظریه اسلامی در مدیریت باید با مطالعه پرسش‌ها و پاسخ‌های موجود در این دانش که برخاسته از تجربیات بشری است به سراغ قرآن و سنت برود و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را به سخن درآورد و به گفت‌وگو با قرآن حکیم بنشیند و با طی فرایند تفسیر موضوعی که پیش‌تر ذکر آن رفت، پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های مرتبط با دغدغه خویش را استخراج کند و با کنار هم قرار دادن آنها منظومه واحدی پدید آورد که بیانگر نظریه اسلامی در مدیریت باشد.

طبیعتاً این اقدام، آسان نخواهد بود؛ چراکه اگر چنین بود تاکنون شمار نظریات اسلامی از حد گذشته بود؛ حال آنکه تنها اقدامات جدی در این زمینه، مباحث شهید صدر درباره نظریه اسلامی در اقتصاد، بانک‌داری و سنت‌های تاریخی است.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرآن حکیم پاسخ‌گوی پرسش‌ها و مسائل بشری است و براین اساس اسلام دارای نظریاتی است که موضع کلی آن را در هر یک از حوزه‌های زندگی بیان می‌دارد. اهمیت این نظریات به اندازه‌ای است که شهید صدر قائل به وجوب استخراج آنها در فرایند نظریه‌سازی اسلامی است؛ که البته بیشتر به کشف نظریه نزدیک است تا ابداع آن. نظریه‌ای که ساختاری فکری بوده، مرکب از اصول، مبانی، نگره‌ها و مفاهیم و احکام و نصوص است و این اجزا در چارچوب بیان رویکردی اسلامی در یکی از حوزه‌های مربوط به انسان، جامعه و هستی با یکدیگر مرتبط‌اند.

شهید صدر این روش را در کشف نظریات حوزه‌های مختلفی به کار گرفته که از مهم‌ترین آنها اقتصاد است. به باور وی اسلام افزون بر احکام اقتصادی، دارای مذهب، نظام و علم اقتصاد ویژه‌ای است که با دیگر مذاهب‌ها و نظامات آن نیز مرتبط است.

پذیرش وجود دیگر مذاهب‌ها و نظامات (از جمله مدیریت) در اسلام، راه را برای کشف آنها هموار می‌کند. بر این اساس است که می‌توان اجمالاً گفت مذهب مدیریتی اسلام عبارت است از هر قاعده زیربنایی و اساسی اداری و سازمانی‌ای که با ایده عدالت اجتماعی ارتباط یابد؛ علم مدیریت اسلامی هر نظریه‌ای است که رویدادهای عینی اداری یا سازمانی را به دور از اندیشه

عدالت خواهانه و پیش ساخته ذهنی آن طور که هست تفسیر می کند؛ و نظام مدیریت اسلامی ناظر به روابط سازمانی افراد آن است که هدف کلی نظام را دنبال می کند و باید با دیگر نظامات هماهنگ باشد تا بتواند هدف اصلی را به طور کامل محقق کند. واضح است که مذهب مدیریتی اسلام دربردارنده گزاره های «باید»ی و مرتبط با عدالت اجتماعی است و متفاوت با علم مدیریت اسلامی است که متحمل گزاره های «هست»ی است که حاصل اجرای گزاره های بایدهای مذهب می باشند. از این جهت است که کشف و پیاده سازی مذهب مدیریتی اسلام در جامعه اسلامی، مقدم بر تحقق علم مدیریت اسلامی است و سخن گفتن از علم اسلامی پیش از تحقق مذهب آن در جامعه دینی، امری ناصحیح است.

کشف و استخراج این مذهب و نظام از متون دینی، مستلزم به کار بستن روش تفسیر موضوعی است و کارکرد آن چنین است که مفسر موضوعی آگاه به دانش مدیریت، تجربیات و مسائل واقعی زندگی بشری در عرصه سازمان و مدیریت را به قرآن عرضه می دارد و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به سخن درآورده، پس از بررسی آیات قرآن کریم، با کنار هم نهادن آنها منظومه واحدی پدید می آورد که بیانگر نظریه اسلامی در مدیریت باشد.

## منابع

۱. نهج البلاغه (۱۳۹۲). ترجمه محمدتقی جعفری، مشهد: به‌نشر.
۲. افجه‌ای، سیدعلی اکبر (۱۳۸۸). مدیریت اسلامی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی.
۳. امیری، علی نقی، و عابدی جعفری، حسن (۱۳۹۲). مدیریت اسلامی، رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
۴. بری، باقر (۱۴۲۲ق). فقه النظریه عند شهید الصدر علیه السلام. بیروت: انتشارات دارالهادی.
۵. بری، باقر (۱۳۸۶). تحلیلی پیرامون نقش شهید صدر در نظریه‌سازی اسلامی؛ نظریه‌پردازی بر کاربست واقع‌گرایی، پگاه حوزه. ۲۰۵.
۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مختصات حکومت حق‌مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: مرکز نشر اسراء.
۹. چارلزوست، چرچمن (۱۳۶۹). نظریه سیستم‌ها. ترجمه رشید اصلانی. تهران: مرکز مدیریت دولتی.
۱۰. چالمرز، آلن اف (۱۳۸۴). چیستی علم (درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی). ترجمه سعید زیبا کلام. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. حیدری، سیدکمال (۱۴۳۳ق). منطق فهم القرآن (الاسس المنهجية للتفسير والتأويل في ضوء آية الكرسي، الجزء الاول، من ابحاث المرجع الديني السيد كمال الحيدري). بقلم الدكتور طلال الحسن. قم: انتشارات دار فراقده.
۱۲. رزمی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۲). نظام‌های اقتصادی. مشهد: موحد.
۱۳. رضائیان، علی (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. سروش، عبدالکریم (۱۳۵۹). دانش و ارزش (پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق). تهران: انتشارات یاران.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۵۸). علم چیست؟ فلسفه چیست؟. تهران: انتشارات پیام آزادی.
۱۶. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۱). تعامل بین اقتصاد و مذهب اقتصاد اسلامی، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار. ۵ و ۶: ۱-۳۰.



۱۷. صدر، سیدکاظم (۱۳۶۹). روش تحقیق در اقتصاد اسلامی (مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی). مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۴). اقتصاد مایا بررسی هایی در مذهب اقتصادی اسلام. ترجمه محمدکاظم موسوی. ج ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۹). اقتصادنا. بیروت: دارالفکر.
۲۰. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ق). اقتصادنا. قم: المجمع العلمی للشهید الصدر.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۸ق). المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر. چاپ چهارم.
۲۲. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۶ق). بحوث فی علم الاصول. ترجمه سیدمحمود هاشمی شاهرودی. ج ۵. قم: نشر المجمع العلمی للشهید الصدر.
۲۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۱). فلسفه ما. ترجمه سیدمحمدحسین مرعشی شوشتری. تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
۲۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۰). مقدماتی در تفسیر موضوعی قرآن. ترجمه شاکر شاهدی. تهران: نشر فارابی.
۲۵. عزتی، مرتضی (۱۳۸۳). تحلیل امکان استفاده از مصادیق عینی و تجربی برای پژوهش در زمینه نظام اقتصادی اسلام، پژوهش های اقتصادی ایران. ۱۸: ۸۹-۱۱۰.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). ویژگی های مدیریت اسلامی، ریشه ها، الگوها، انگیزه ها، مدیریت دولتی. ۱۸: ۳۰-۳۷.
۲۷. میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۱). «تقریر جلسه چهارم درس خارج فقه حکومتی». قم: سایت فرهنگستان علوم قم (<http://www.isaq.ir/vdcak6ny149nu.5k4.html>).
۲۸. میرمعزی، حسین (۱۳۸۰). اسلام و نظام اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. ۳: ۹۱-۱۰۸.
۲۹. میرمعزی، حسین (۱۳۸۵). نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. ۲۲: ۱۲۳-۱۴۶.
۳۰. نمازی، حسین (۱۳۷۴). نظام های اقتصادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۱. هادوی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۷۷). نظریه اندیشه مدون (۱)، فصلنامه قیسات. ۷: ۹۸-۱۰۸.

۳۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴). اندیشه اسلامی. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام).
۳۳. هج، ماری جو، و کانلیف، آن آل (۱۳۹۱). نظریه سازمان: مدرن، نمادین، تفسیری و پست مدرن. ترجمه حسن دانایی فرد. تهران: انتشارات مهربان نشر.
۳۴. یوسفی، احمدعلی و دیگران (۱۳۷۹). ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
35. Smith, Adam (1983). *The Wealth of Nations*. With an Introduction by Andrew Skinner. Middleset, England: Penguin Books.